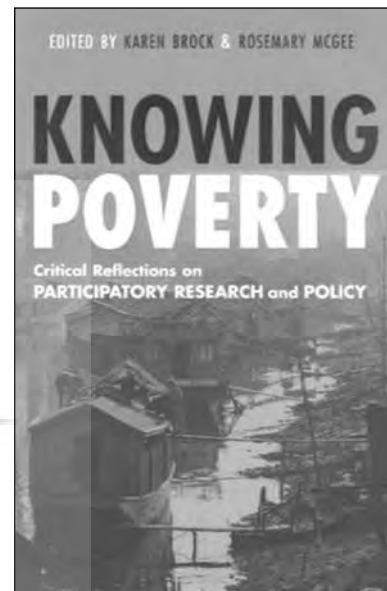


تلفیق دانش و تجربه در روشهای مشارکتی

صمد رحیمی سوره

عضو هیئت علمی مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی



- Knowing Poverty: Critical Reflections on Participatory Research and Policy
- Karen Brock and Rosemary MCGee (eds)
- Earth Scan: Publication
- 2002

این هدف پرسش‌هایی مطرح و مورد بحث قرار می‌دهد. این پرسش‌ها از آن جمله‌اند: آیا می‌توان با توسل به روش‌های مشارکتی به برنامه‌ریزی در زمینه سیاستگذاری پرداخت به گونه‌ای که این سیاستگذاری‌ها در سطح ملی مفید و مرتبط باشد؟ آیا می‌توان اطلاعاتی را که از این روش به دست می‌آید با اطلاعاتی که از روشهایی نظیر پیمایش به دست می‌آید مقایسه کرد؟ آیا اطلاعاتی که از روشهای مشارکتی به دست می‌آید به حدی اعتبار دارد که آن را برای سیاستگذاری به کار بریم.

انتقادات وارد بر روش PRA در این کتاب را می‌توان در دو دسته بسیار کلی قرار داد. انتقادات معرفت‌شناسی که ممکن است هر تحقیق اجتماعی با آن مواجه شود و انتقادات خاصی که بر این روش وارد می‌شود مانند کیفیت مشارکتی بودن روش، ادعای سرعت عمل آن، میزان تعمیم‌پذیری نتایج.

یکی از دو تدوین‌کننده کتاب (رزماری مک‌گی) در مقاله آغازین کتاب با طرح دو سناریو دو روش مختلف مشارکتی را به چالش می‌کشد. در سناریوی اول گروهی متشکل از محققان، اعضای سازمان‌های غیردولتی و... وارد روستا شده و پس از آشنایی و صحبت با روستاییان، اطلاعات لازم را جمع‌آوری می‌کنند. در مقابل پاداشی برای مردم محلی در نظر گرفته می‌شود که عمدتاً به صورت یک وام کوچک بلاعوض برای حمایت از یک پروژه محلی است. گروه به محل خود بازگشته و هر از چندگاهی به

موضوع اصلی کتاب به کاربرد روشهای مشارکتی در زمینه ارزیابی فقر مربوط می‌شود. این کتاب توسط کارن بروک و رزماری مک‌گی جمع‌آوری و تدوین شده است که از محققان مؤسسه مطالعات توسعه (Institute of Development Studies) انگلستان‌اند. به طور کلی روشهای تحقیق مشارکتی که اطلاعات لازم در مورد ابعاد مختلف فقر و مردم فقیر برای سیاستگذاران مهیا می‌کند، در دهه ۱۹۹۰ به طور روزافزونی به کارگرفته شده است. این کتاب مجموعه‌ای از تأملات و اندیشه‌های انتقادی در مورد تحقیق مشارکتی فقر و تأیید آن در فرآیند سیاستگذاری به منظور کاهش فقر را ارائه می‌کند.

مقالات کتاب توسط مک‌گی، بروک، شافر (Shaffer)، بیتس (Yates)، اُکلو (Okello)، آدان (Adan)، کاباک چوا (Kabak Chiva)، کیدانو (Kidanu)، ملو (Melo)، ترک (Turk)، یوسف (Yusuf)، چمبرز (Chambers)، رادمچر (Rademacher) و پتل (Patel) به رشته تحریر درآمده است؛ از این میان رابرت چمبرز برای دانشجویان و محققان ایرانی نام آشناترین است.

نویسنده مقدمه - کارن بروک - ابتدا به معرفی ارزیابی مشارکتی فقر (participatory poverty assessment) پرداخته و به تاریخچه‌ای از پیدایش این روش اشاره می‌کند. در ادامه سعی کرده است نگرشی انتقادی بر سیاست و تحقیق مشارکتی داشته باشد. جهت نیل به

اختصاص دارد. پاتز تجربه خود در زمینه تحلیل فقر با روشهای مشارکتی در اوگاندا را معرفی می‌کند که اطلاعات حاصل از این روش را با سطح برنامه‌ریزی ملی پیوند زده است. او گوشزد می‌کند که در جریان جمع‌آوری اطلاعات میان مردم محلی توقعاتی ایجاد می‌شود و باید حتی‌الامکان به این توقعات پاسخهای مناسبی داده شود.

تجارب بانک جهانی در ۵ کشور برزیل، بلغارستان، اتیوپی، سومالی و ویتنام توسط پنج محقق و صاحب‌نظر در بخش دیگر کتاب، بررسی تطبیقی شده است. همچنین رابرت چمبرز تجارب شخصی خود در زمینه کاربرد روشهای مشارکتی در تحلیل فقر را در یکی از مقالات کتاب ارائه می‌کند.

تحولات به وجود آمده در تحقیقات مشارکتی و کاربرد آن در زمینه مباحث فقر و سیاستگذاری در سطح بین‌المللی مبحث مقاله راد ماچر و پاتل است.

سخن آخر

از دهه ۱۹۹۰ متدولوژی‌های مشارکتی به رهیافتهای برنامه‌ریزی پروژه مربوط به دهه ۱۹۸۰ افزوده شد. از آنجا که بیشترین کاربرد روشهای مشارکتی در زمینه موضوعات فقر بوده است، کانون توجه این کتاب بر استفاده از این روشها در سیاستهای کاهش فقر است. این مقالات مجموعه‌ای از نقطه‌نظرات صاحب‌نظران را در مورد فرایندهای گذشته و در حال اجرا دربرگرفته و این موضوع را که چگونه تحقیق مشارکتی بر شناخت فقر اثر گذاشته و چگونه این برداشتها در سیاستگذاریهای کاهش فقر عمل شده است، به چالش می‌کشد.

نویسندگان این کتاب پیشینه‌های متنوعی دارند. شاید یکی از نقاط قوت این کتاب در این باشد که اندیشه‌ها و تأملات انتقادی نویسندگان با پیشینه‌های متنوع، ابعاد مختلف مشارکت و سیاستگذاری را نمایان ساخته و تحقیقات فردی به سازمان‌های جهانی و منطقه‌ای گرایش یافته است. همچنین نظر به این که این نویسندگان بر تجارب مربوط به عملیات جاری و چالشهای آینده تأکید خاصی نموده‌اند، درسهای بسیار مفید و کاربردی می‌توان از آنها فراگرفت. آنها در برقراری توازن بین دانش و تجربه و ارائه راهکارهای مؤثر برای هوشیاری در فرایندهای تحقیق مشارکتی موفق بوده‌اند. این نکات کلیدی می‌تواند به طور مؤثری در توسعه سیاستهایی اثرگذار باشد که نیازها و اولویتهای مردم فقیر را منعکس می‌کند و به آن پاسخ می‌دهد.

تجارب بررسی شده در کتاب عمدتاً مربوط به کشورهایی است که از لحاظ اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی، تفاوت‌های زیادی با کشور ما دارند و شاید این امر عمده‌ترین کاستی کتاب برای خواننده ایرانی باشد.

همچنین با توجه به تنوع تجارب و کشورهای بررسی شده و همچنین پیشینه متفاوت نویسندگان کتاب، جمع‌بندی نتایج و یافته‌های مقالات به نقاط روشن و شفاف کاربردی و توسعه‌ای نینجامیده است.

با این حال این کاستی جزئی در مقایسه با نقاط قوت فراوان آن کاملاً قابل اغماض است. به ویژه این که با عنایت به روند رو به رشد تحقیقات مشارکتی در کشور و سوالات متعدد فراروی محققان و عاملان در ابعاد مختلف این روشها، مطالب این کتاب بسیار آموزنده و آگاهی‌بخش می‌نماید.

روشهای تحقیق مشارکتی که اطلاعات لازم

در مورد ابعاد مختلف فقر و مردم فقیر

برای سیاستگذاران مهیا می‌کند،

در دهه ۱۹۹۰ به طور روزافزونی

به کارگرفته شده است

شافر، در مقاله‌ای از این مجموعه محدودیتهای

علم اقتصاد در ارتباط با ارزیابی و

تحلیل فقر را بر شمرده و ابراز عقیده می‌کند که

برای تحلیل فرایند فقر نیاز به روشهای دیگر است

که یکی از آنها روشهای مشارکتی است

نظر به این که این نویسندگان بر تجارب

مربوط به عملیات جاری و چالشهای آینده

تأکید خاصی نموده‌اند، درسهای بسیار مفید و

کاربردی می‌توان از آنها فراگرفت

یافته‌های خود در موارد مقتضی اشاره می‌کنند. در سناریوی دوم گروه به روستا می‌رود، اطلاعات را جمع‌آوری کرده و پس از بازگشت، هریک از اعضای گروه سعی می‌کنند تا یافته‌ها و اطلاعاتی را که به دست آورده‌اند در تصمیم‌گیری خود و همچنین در سیاستگذاریها منعکس نمایند؛ در نهایت روزی به روستا بازگشته و به مردم می‌گویند که حرفهای آنها تا چه حد در سیاستگذاریها مؤثر بوده است.

این مقاله به بحث در مورد این گونه روشهای متفاوت پرداخته و تلاش می‌کند چگونگی استفاده از روشهای مشارکتی در سطح سیاستگذاریها را مطرح نموده و مشکلات احتمالی را بازگو کند.

شافر، در مقاله‌ای از این مجموعه محدودیتهای علم اقتصاد در ارتباط با ارزیابی و تحلیل فقر را بر شمرده و ابراز عقیده می‌کند که برای تحلیل فرایند فقر نیاز به روشهای دیگر است که یکی از آنها روشهای مشارکتی است. اما به هرحال روشهای مشارکتی را نیز بدون محدودیت ندانسته و پیشنهاد تلاش به منظور رفع مشکلات آن را می‌دهد؛ او تجربه خود را در کشور میانمار مطرح کرده و روشهای مشارکتی را پرکننده شکافهای موجود در تحلیلهای اقتصادی محض از فقر ارزیابی می‌کند. او مشکلات و کاستیهای روشهای مشارکتی را همانند مقایسه اطلاعات، سطح اعتماد و درجه تعمیم‌پذیری و راههای غلبه بر آنها را مورد بررسی قرار می‌دهد.

بخشها یا مقالاتی از این مجموعه نیز به تجارب برخی محققان